

## الگوی برای دست‌یابی به شاخص‌های فرهنگ در پیکره انقلاب اسلامی

رضا شاهقلیان قهفرخی\*

مهدی ناظمی اردکانی\*\*

### چکیده

هر انقلابی در معرض آسیب‌ها و انحرافات فرهنگی است که ممکن است در مسیر حرکت آن خلل وارد کند. از این‌رو، چالش و دغدغه اصلی همه تحولات بزرگ انقلاب‌ها، صیانت از جهت‌گیری‌های غلط فرهنگی آنهاست. برای ارزیابی و تحلیل حرکت انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف، باید به شاخص‌ها اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی توجه شود و حرکت انقلاب اسلامی با آنها سنجیده شود و پس از آن، انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف، آسیب‌شناسی شود و کانون‌های آسیب، شناسایی، ترمیم و اصلاح شوند. بنابراین پرسش این پژوهش عبارت‌است از اینکه «شاخص‌های فرهنگ در انقلاب اسلامی چیست؟». نوع پژوهش کاربردی و برای بررسی این موضوع از روش توصیفی - تحلیلی جهت تعیین و تبیین شاخص‌های فرهنگ انقلاب اسلامی استفاده شده است. بر اساس نتایج به‌دست آمده از این پژوهش الگویی برای طبقه‌بندی شاخص‌های فرهنگی در سه سطح شاخص‌های استراتژیک، شاخص‌های هدف (بعد) و شاخص‌های عملیاتی (مولفه) پیشنهاد شد که هر سطح دارای مؤلفه‌های هماهنگ و شاخص‌های مناسب خود است. البته این الگو در هر سطح انقسام به اجزای خردتر و ارتباط آنها مشخص گردیده است.

### واژگان کلیدی

الگو، شاخص، فرهنگ، انقلاب اسلامی، فرهنگ اسلامی.

\* عضو هیات علمی دانشگاه افسری امام حسین(ع) و دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی. (نویسنده مسئول)

rshahgholi@ihu.ac.ir

\*\* دانشیار دانشگاه امام حسین(ع)، تهران، ایران . info@sndu.ac.ir

## مقدمه

چالش و دغدغه اصلی همه تحولات بزرگ اجتماعی و فرهنگی، به ویژه انقلاب‌ها، صیانت از جهت‌گیری‌های اصلی آنهاست. برای ارزیابی و تحلیل حرکت انقلاب اسلامی و جلوگیری از انحراف، به‌خصوص انحراف فرهنگی، باید به شاخص‌ها و محورهای فرهنگی انقلاب اسلامی توجه شود و حرکت انقلاب اسلامی با آن‌ها سنجیده شود و پس از آن، انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف، آسیب‌شناسی شود و کانون‌های آسیب، شناسایی، ترمیم و اصلاح شوند. ما معتقدیم با وجود فراز و نشیب‌های بسیار در روند حرکت انقلاب اسلامی و موانع و مشکلات و با وجود دشمنی‌ها و کارشکنی‌هایی که از سوی دشمنان داخلی و خارجی متوجه نظام جمهوری اسلامی شده است، در حرکت کلی انقلاب اسلامی، هیچ‌گونه انحرافی صورت نگرفته است و انقلاب اسلامی به سمت اهداف خویش در حرکت است؛ هر چند در برهه‌هایی این روند پر شتاب بوده و در برهه‌هایی به دلایل گوناگون، از شتاب آن کاسته شده است؛ ولی در مجموع، حرکت نظام جمهوری اسلامی در مسیر تحقق اهداف و آرمان‌های ترسیم شده بوده و انحرافی در آن صورت نگرفته است. اما تعیین اهداف فرهنگی به عنوان اهداف اصلی کشور و انقلاب اسلامی، مستلزم بکارگیری شاخص‌های مناسب است. برای اهداف واسطه‌ای، به‌خصوص اهداف اقتصادی شاخص‌های مناسب و دقیقی بکار گرفته می‌شود و برنامه‌های توسعه عمدتاً بر محور همین شاخص‌ها، تنظیم و تدوین و جهت‌دهی می‌گردند، ولی در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور باید بر اهداف اصلی و شاخص‌های آن‌ها تاکید لازم صورت پذیرد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «آن چیزی که ما به آن نیازمندیم این است که نقشه پیشرفت کشورمان را بر اساس جهان‌بینی اسلام، برای انسان، انسان در منطق اسلام فراهم و تهیه کنیم. معنویت پایه و تلاش این پیشرفت خواهد بود، پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بعد معنوی قوی است. انسانی که علم و دنیا و ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال قرار می‌دهد» (مقام معظم رهبری، 1386/2/25). هدف فرهنگی رشد و تکامل انسان است.

در این راستا نکته مهمی که باید بدان توجه کرد، این است که سیستم‌های مختلف کشورها به انحای مختلف تحت تاثیر فرهنگ راهبری آن کشور قرار دارد؛ چرا که این فرهنگ که با گذشت زمان و مواجهه با تهدیدات و چالش‌های مختلف شکل گرفته و تغییر پذیرفته است و به همین دلیل، تعیین می‌کند که دفاع ملی باید چه سبک و سیاقی داشته باشد (قنبرلو، 1391: 38). بر این اساس برای کشور ایران نیز هم‌زمان با تغییر رویه غرب در مقابله با انقلاب اسلامی ایران از جنگ سخت به جنگ نرم مبتنی بر القای تفکرات ضداسلامی در بین مردم، انتخاب روشی مناسب و متناسب ضروری می‌نماید؛ روشی که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی، تاکید بر تقویت ظرفیت‌های فرهنگی و توجه به نگاه ایجابی رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به مقوله

فرهنگ امکان‌پذیر خواهد بود (بیگدلو، 1392: 79). در جامعه ایران با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تغییر شاخص‌های بنیادین در عرصه‌های مختلف، مؤلفه‌هایی فرهنگی همچون نفی سازش، دفاع از مظلوم، استکبارستیزی و مبارزه با دشمن، جهاد و شهادت و ... شکل گرفت که در بطن فرهنگ سیاسی ایران وجود داشته است. اهمیت شاخص‌های فرهنگی به این موضوع برمی‌گردد که فرهنگ و مفاهیم فرهنگی جزئی از فرهنگ راهبردی محسوب می‌شوند. در این پژوهش سعی شده است تا به بررسی و تعیین شاخصه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی پرداخته شود.

## بیان مسأله

انقلاب اسلامی به عنوان یک دگرگونی اجتماعی و فرهنگی علاوه بر ساختار و سیستم سیاسی منجر به تغییرات عمده در نظامات، نهادها و عناصر فرهنگی کشور گردید. در واقع باید گفت بررسی و تحلیل پیشینه، زمینه‌ها و همین‌طور سیر تاریخی وقوع این انقلاب بیش از هر چیز ماهیت فرهنگی آن را نمودار می‌سازد. هویت فرهنگی مردم مسلمان ایران باعث گردید که بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام از وضعیت موجود در زمان حکومت طاغوت ناخوشنود بوده و تحت تاثیر رهبری روحانیت شیعه به دنبال تحقق جامعه‌ای مبتنی بر تعالیم اسلام باشند. اسلام به عنوان دین حقه الهی و مورد پذیرش جامعه ایرانی، دربردارنده ویژگی‌ها و چشم‌اندازی از جامعه آرمانی و همین‌طور دستورالعمل‌ها و مقرراتی جهت تحقق و نیل به آن می‌باشد. بر این اساس باید گفت انقلاب اسلامی ایران به طور ماهوی مبنای تحول، جهت و مسیر تحول و همچنین مقصد خود را از آموزه‌های اسلامی کسب کرده است. در واقع ماهیت انقلاب اسلامی از حیثیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دارای ماهیتی تحول‌خواه به سمت تحقق تمدن اسلامی می‌باشد. در این فرض انقلاب اسلامی یک فرآیند مستمر است که منحصر به تغییر ساختار سیاسی نبوده و به طور مداوم در پی دگرگونی بنیادی نظامات اجتماعی جامعه ایرانی جهت پیاده‌سازی حداکثری دیدگاه‌های اسلام راستین می‌باشد. تاکید بر اسلام راستین در واقع تاکید بر این مسأله است که اسلام در طول زمان دچار انحرافات از مسیر اصیل خود - که همان مسیر تعیین شده توسط رسول اکرم (ص) مبتنی بر تبعیت از اهل بیت می‌باشد - شده است، که از مصداق اخیر آنها انحرافات ایجاد شده در سده‌های اخیر تحت تاثیر القانات استعمارگران می‌باشد. بر همین اساس برای شناسایی اسلام اصیل از دیگر قرائت‌های انحرافی، حضرت امام خمینی (ره) تعبیر اسلام ناب را ابداع نمودند. بنابراین باید گفت اسلام ناب در واقع فرهنگ مرجع انقلاب اسلامی است و بر این اساس می‌توان فرهنگ انقلاب اسلامی را مترادف با فرهنگ اسلام ناب در نظر گرفت. از آنجا که هر فرهنگی مجموعه‌ای از نظامات، عناصر و مولفه‌ها، و نهادهای فرهنگی است، لذا فرهنگ انقلاب اسلامی و همچنین فرهنگ اسلام ناب نیز دارای این زیرساخت‌ها بوده و در نتیجه شاخص‌های فرهنگ انقلاب اسلامی همسان با شاخص‌های فرهنگ اسلام ناب می‌باشد. بر اساس آنچه بیان شد

تحقق شاخص‌ها و الگوهای اسلامی در جامعه، هدف اصلی و اساسی در انقلاب اسلامی می‌باشد. لذا انقلابی ماندن و انقلابی‌گری در این است که مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ انقلاب اسلامی مورد توجه و تاکید مدیران کشور و برنامه‌ریزان قرار گیرد. مساله و مشکل و ضعفی که به نظر می‌رسد این است که رویه غالب بر نظام برنامه‌ریزی کشور رویه اقتصادی است. لذا باید دقت کرد که این رویکرد بر برنامه‌های فرهنگی کشور حاکم نشود. به این منظور است که در این پژوهش تلاش می‌شود که شاخص‌های فرهنگ انقلاب اسلامی مشخص گردد تا بتوان از این شاخص‌ها به شکل یک الگو در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور استفاده نمود.

## هدف از تحقیق

هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تبیین شاخص‌های فرهنگ انقلاب اسلامی می‌باشد.

## پرسش تحقیق

شاخص‌های فرهنگی انقلاب اسلامی کدامند؟

## روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی جهت بررسی موضوع استفاده شده است. روش و ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای-اسنادی، منابع اینترنتی و رجوع به قرآن به عنوان اصلی‌ترین و بزرگترین مرجع فرهنگ اسلامی و سخنرانی‌ها و فرمایشات امام خمینی (رحمت‌الله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌باشد. لذا در این روش به شکل کتابخانه‌ای با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران و جستجو در فضای اینترنت اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردیده و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به صورت کیفی و داده بنیاد انجام گردید.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

### اهمیت تحقیق

- 1- در حوزه بررسی تاثیر شاخص‌های فرهنگ در بخش‌های مختلف کشور، شناخت نظری شاخص‌های اصلی فرهنگ انقلاب اسلامی بسیار حائز اهمیت است.
- 2- زمینه رصد علمی را برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در راستای شاخص‌های فرهنگی بر برنامه‌های مختلف را فراهم می‌آورد.

3- یافته‌های تحقیق به ما کمک می‌کند تا میزان تحقق‌پذیری فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه به نسبت تاثیر در برنامه‌های کلان کشور را مورد بررسی و روشن سازیم.

### ضرورت تحقیق

- 1- بدون داشتن شاخص‌های فرهنگ انقلاب اسلامی، بررسی برنامه‌های کلان کشور ابهام‌آفرین است. لذا ضرورت دارد معیارهایی برای این بررسی وجود داشته باشد.
- 2- عرصه فرهنگ، عرصه‌ای گسترده می‌باشد. اگر فرهنگ انقلاب اسلامی، حدود و ثغورش مشخص نگردد، جامع و مانع نخواهد بود و همین امر همواره این فرهنگ و برنامه‌هایی که باید بر اساس این فرهنگ نوشته شود را در مخاطرات جدی قرار می‌دهد.
- 3- برای فارغ‌شدن از رویکرد بخشی‌نگر به فرهنگ در برنامه‌های مختلف کشور الزاماً باید رویکردی متفاوت جایگزین شود و آن فرهنگ انقلاب اسلامی می‌باشد که ظرفیت اسلام ناب محمدی را به صحنه عمل وارد می‌سازد.

### پیشینه پژوهش

1- «تدوین مؤلفه‌های اصلی فرهنگ انقلاب اسلامی و بازنمایی آن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»: این رساله دکتري توسط جناب آقای مهدی بهشتی‌نژاد با همکاری استاد راهنما، جناب آقای دکتر حسن علی اکبری و مشاوران، آقایان دکتر حمیدرضا حاتمی و دکتر مهدی ناظمی اردکانی در سال 1393 در دانشکده و پژوهشکده علوم اجتماعی و فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع) دفاع گردیده است. نتایج تحقیق نشان‌گر آن است که بازنمایی 14 مؤلفه فرهنگ انقلاب اسلامی در پنج برنامه توسعه این را نشان می‌دهد که در برنامه اول عدالت‌محوری، دوم استقلال‌خواهی، سوم و چهارم مردم‌باوری و در برنامه پنجم، مؤلفه پیشرفت بالاترین سطح بازتاب را داشته‌اند (بهشتی‌نژاد، 1393: 1).

2- «تحلیلی بر مؤلفه‌های فرهنگی در منظومه فکری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»: تحلیلی که توسط داوود میرمحمدی در مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما در سال 1393 تهیه گردیده است. مرکزیت و محور اصلی مباحث این کتاب، منظومه فکری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بوده است؛ در عین حال در پایان کتاب محورها و موضوعات برنامه‌ای دسته‌بندی و تدوین شده، و نیز یافته‌های پژوهشی نگارنده و شاخص‌های راهبردی فرهنگی که دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با الهام از اندیشه‌های آنان در سال 1389 تدوین کرده محور یابی و موضوع شناسی شده است (میرمحمدی، 1393: 15).

3- «الگوی برای دستیابی به مؤلفه‌های فرهنگی»: مقاله‌ای که توسط محمد سلیمی نوشته شده است. ایشان

تلاش کرده‌است، با عنایت به ضرورت ویژگی‌های عام و ویژگی‌های خاصی که برای شاخص‌های فرهنگی بیان گردیده و همچنین با توجه به برخی امتیازات و نارسایی‌ها در الگوهای گذشته، الگویی برای ترسیم شاخص‌های فرهنگی - با مقدمات و ترتیب ذیل - ارائه نماید (سلیمی، 1385).

4- «مطالعه و ارزیابی تبیین‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران»: پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه تربیت مدرس، اثر مصطفی مهرآیین با راهنمایی دکتر علیمحمد حاضری در سال 1379 انجام گرفته است. این اثر عمق انقلاب اسلامی را صرفاً دگرگونی در حوزه عینی نمی‌داند، بلکه بیشتر در حوزه معنا جستجو می‌کند و از سوی دیگر با تفاوت‌گذاری میان تبیین و تفسیر فرهنگ انقلاب اسلامی، تلاش می‌کند عناصر و نمونه‌های آرمانی تبیین فرهنگی انقلاب اسلامی را در سه سطح مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و روش‌شناسی مطرح نماید (مهرآیین، 1379).

5- «آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران»: پایان‌نامه کارشناسی ارشد از مجتمع آموزشی شهید محلاتی، اثر علی‌رضا عباسی با راهنمایی محمداسماعیل خدادادی در سال 1382 انجام گرفته است. نکات برجسته این اثر عبارت است از: فرهنگی دانستن ماهیت انقلاب، نگاه یک‌بعدی را مساوی غفلت از انقلاب دانستن، انقلاب را دارای سه رکن رهبری، ایدئولوژی و مردم دانسته و رخنه در هر کدام را آسیب به انقلاب می‌داند. آسیب‌های فرهنگی داخلی را زمینه‌ساز آسیب‌های خارجی دانسته‌اند. آسیب‌های فرهنگی را برای همه انقلاب‌ها خطر آفرین می‌دانند (عباسی، 1382).

## ادبیات و مبانی نظری تحقیق

### 1- مفهوم شناسی

1-1- شاخص. در اصطلاح علمی شاخص ۱ امری است که به وسیله آن می‌توان کمیت، کیفیت، تغییرات یا ثبوت یک موضوع را تشخیص داده و اندازه‌گیری کرد. وسایلی مانند دماسنج، انواع ترازوهای فیزیکی، رقمی (دیجیتالی) و یا برخی رفتارهای انسانی مصادیقی ساده و روشن از شاخص‌هایی است که برای اندازه‌گیری حرارت، وزن و قضاوت در مورد شخصیت انسان‌ها به کار می‌روند (مهدی‌نسب، 1392: 135).

1-2- فرهنگ. جامع‌ترین تعریفی که از فرهنگ با نظر به اکثر تعاریف به عمل آمده می‌توان ارائه داد این است: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه‌ای بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی

باشد) (جعفری، 1373: 20).

**3-1- شاخص‌های فرهنگی.** به متغیرهای اصلی و مهمی اطلاق می‌شود که براساس شاخص‌های نقشه مهندسی فرهنگی در فرایند تبیین آثار و پیامدهای فرهنگی، راهکارهای اصلاحی و اعمال ارزشیابی و نظارت بر فرایند تهیه، تدوین و اجرای پیوست‌های فرهنگی تعیین شده و با روش علمی اندازه‌گیری و برای تعیین میزان موفقیت اجرای پیوست فرهنگی و آثار آن در هر فعالیت بدان استناد می‌شود (وبگاه [www.peyvastfarhangi.ir](http://www.peyvastfarhangi.ir)).

**4-1- فرهنگ انقلاب اسلامی.** فرهنگ انقلاب اسلامی تبلوری از اسلام ناب که در نظامی از باورها، ارزش‌ها و رفتارهای توحیدگرایانه، با هدف تعالی، تحول و کرامت انسانی و به صورت معرفت مشترک در یک فرآیند تاریخی نمایان گردیده است (بهشتی‌نژاد، 1393، 78).

بنیان‌یان (1386) فرهنگ انقلاب اسلامی را این‌گونه تعریف می‌کند: «منظور از فرهنگ انقلاب اسلامی، پذیرش و باور گزاره‌های زیر است:

- 1- احیای اعتقادات و ارزش‌های اسلامی می‌تواند جامعه را به سمت پیشرفت و عدالت سوق دهد.
  - 2- می‌توان با تکیه بر اعتقادات اسلامی در مقابله با سلطه بیگانگان مقاومت نمود.
  - 3- می‌توان با تکیه بر اعتقادات اسلامی، استقلال و آزادی را در مناسبات جهانی بیشتر حفظ نمود.
- 2- عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ.** فرهنگ دارای سازمانی نظام‌دار است (وایت، 1379: 5). مفهوم نظام، وجود اجزا و روابط متقابل بین آنها یا ساختار و فرآیند به ذهن متبادر می‌سازد. ساخت فرهنگی معمولاً از عنصر فرهنگی، ترکیب فرهنگی و حوزه فرهنگی تشکیل می‌گردد. کوچکترین موضوع و واحد قابل تعریف و تشخیص را «عنصر فرهنگی» و تناسب و همراهی آنها را «ترکیب فرهنگی» و مجموعه ترکیب‌های فرهنگی - در یک منطقه که دارای شکل و محدوده متمایز است، را حوزه فرهنگی می‌نامند (روح‌الامینی، 1377: 25). عنصر فرهنگی کوچک‌ترین واحد یک فرهنگ است. عنصر فرهنگی از یک جزء یا بخشی که به عناصر و بخش‌های دیگر تقسیم‌پذیر نیست تشکیل می‌شود. برخی عناصر فرهنگی، مادی بوده و بیش از یک شی ساده نیست؛ مثل: انگشتر، عصا... و برخی دیگر مادی نبوده، بلکه الگوی رفتاری است؛ مانند: دست دادن، سلام کردن، نماز گزاردن و ... (کوئن، 1372: 79). عنصر فرهنگی در نزد همه به یکسان تعریف نشده است؛ مثلاً کرویر اعتقاد دارد که عنصر فرهنگی مهم‌ترین و دقیق‌ترین قسمت مطالعه فرهنگی است و تحقیق و پژوهش فرهنگی زمانی جامع خواهد بود که تمام عناصر آن مشخص و تعریف گردد. مثلاً پارسونز در مطالعه فرهنگ قبایل پوئه بلو، عناصر تشریفات مذهبی این قوم را به صورت زیر تقسیم می‌کند:

1- دعای قربانی؛ شامل: ذکر، چوب‌های دعا، دعا، آرد و غذای مقدس؛

2- وسایل معتر؛ شامل: ماسک، تصویر و سنگ‌های تبرک؛

3- مناسک؛ شامل: آواز، رقص مذهبی، مسابقات، روزه؛

4- مکان تشریفات؛ شامل: معبد، جهت انجام مراسم، جای وسایل موسیقی (روح الامینی، 1373: 3).

«لسلی ا. وایت» هر ساختار فرهنگی را متشکل از چهار عنصر صنعتی (تکنولوژی)، اجتماعی (آداب و رسوم، نهادها، قواعد و الگوهای رفتار افراد با یکدیگر)، عقیدتی (باورداشت‌ها) و نگرشی (احساسات یا طرز فکریایی برای ابراز وجود) می‌داند و اظهار می‌دارد که تکنولوژی، شالوده‌آسی نظام فرهنگی را تشکیل می‌دهد و تغییر و تحول در آن موجب تغییر و تحول در سایر بخش‌ها می‌گردد. نیروی محرکه فرهنگ، در تکنولوژی آن نهفته است و اگر تکنولوژی‌ای بدان حد نیرومند باشد که بتواند نظام اجتماعی سد راهش را از میان بردارد، چنین می‌کند و نظامی نو به وجود می‌آورد و اگر به قدر کافی نیرومند نباشد، آنگاه باید تنگ‌ناها تن در دهد (لسلی وایت، 1379: 5). علامه محمد تقی جعفری فرهنگ را دارای دو عنصر ثابت و متغیر می‌داند. اصول متغیر مستند به نیازهای متغیر بشری در بستر زمان می‌باشد که متناسب با شرایط مختلف متفاوت می‌گردد و عناصر ثابت فرهنگی آنهایی هستند که مستند به نیازهای فطری و ذاتی بشری بوده و گذشت زمان تأثیری در ماهیت آن‌ها نمی‌گذارد. این عناصر و اصول عبارتند از:

1- عنصر و اصل کمال جویی و اشتیاق به آن؛

2- عنصر و اصل احترام؛ که در فرهنگ عام انسانی با عناوینی مانند: نوع دوستی، علاقه به انسان و محبت از آنها یاد می‌شود؛

3- عنصر و اصل اشتیاق شدید بشر به داشتن حیات شایسته؛

4- تصحیح و تنظیم ارتباط چهارگانه:

الف) ارتباط انسان با خویشتن؛

ب) ارتباط انسان با خدا؛

ج) ارتباط انسان با جهان هستی؛

د) ارتباط انسان با هم‌نوع خود (جعفری، 1373: 33).

**3- اهمیت و جایگاه فرهنگ.** بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت

اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند باشد، میان تهی خواهد بود؛ هر گاه فرهنگ جامعه‌ای وابسته به فرهنگ مخالف باشد، به ناچار دیگر ابعاد آن جامعه نیز به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک شده و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد، زیرا استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است (صحیفه نور، ج 15: 243). تأکید در



مورد اهتمام به ارتقاء فرهنگ جامعه و داشتن دغدغه در مورد اوضاع فرهنگی کشور، ناشی از دیدگاه اسلام در مورد مقوله فرهنگ و تأثیر تعیین کننده مسایل فرهنگی در حال و آینده جامعه است (مقام معظم رهبری، 1379: 6). وسعت قلمرو فرهنگ به وسعت حیات اجتماعی انسان بوده و شامل تمامی ذخایر و میراث‌های اندیشه (عقل نظری) و ساخته‌های فکری و دستی (عقل عملی) انسان از آغاز تا امروز است (روح‌الامینی، 1377: 7).

فرهنگ در کلیه شؤون زندگی افراد حکم فرماست و در پرتو آن، زندگی انسان از زندگی حیوانی متمایز می‌گردد (تراپی، 1341: 137). فرهنگ، محیط معینی است که انسان در چارچوب آن حرکت می‌کند، الهام خود را می‌پرورد و مقدار صلاحیت خود را برای تأثیر گذاری از طریق تبادل، سازگاری می‌دهد. فرهنگ جوی آبی است از رنگ‌ها و نغمه‌ها و عادت‌ها و شکل‌ها و آهنگ‌ها و حرکت‌هایی که جهت گیری و شیوه خاصی را بر زندگی انسان نقش می‌زند، تصور او را نیرو می‌بخشد، نبوغ او را الهام می‌دهد و توانایی‌های خلاق او را می‌پرورد. فرهنگ پیوند ارگانیک انسان و چارچوبی است که او را در بر گرفته است (مالک‌بن نبی، بی تا: 34). فرهنگ شامل الگوهای آشکار و پنهان رفتاری است که به وسیله نمادها، اعمال و توفیقات نهادینه شده گروه‌های مختلف انسانی و آن چه شامل دست ساخته‌های انسان می‌شود، به دست آمده و انتقال می‌یابد (سلیمی، 1379: 27). فرهنگ درونمایه هر گروه، سازمان، گردهمایی و جامعه است. بنا به اصطلاح رایج امروزی: نرم افزار سخت افزار تجمعات گوناگون انسانی شناخته می‌شود (بیلینگتون، بی تا: 138).

فرهنگ، عصاره زندگی اجتماعی است و در آن تمامی افکار، اهداف، معیارها، ارزش‌ها، فعالیت‌های انسان و ضوابط فردی و اجتماعی منعکس می‌شود. به کمک فرهنگ است که انسان از جهات مختلف با مردم پیرامونش هم‌رنگی و هماهنگی می‌یابد و از مردم جوامع دیگر متمایز و مشخص می‌شود. بشر به اتکای این فرهنگ، جهان را تسخیر می‌کند و به جای آن که در مقابل تحریکات محیط طبیعی دستخوش تغییر شود، جهان را موافق حال خود تغییر می‌دهد (منصوری، 1374: 1).

#### 4- اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات.

1-4- کار فرهنگی بهترین کار است: خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؟ چه کسی را نیکوتر از سخن آنکه به سوی خدا دعوت می‌کند و کارهای شایسته می‌کند و می‌گوید البته که من از مسلمانانم» (فصلت: 33). شأن نزول آیه در مورد پیامبر گرامی اسلام (ص) است، اما به ایشان اختصاص ندارد و شامل هر فردی می‌شود که مردم را به خدا و طاعت او دعوت کند. بنابراین، دعوت به خداوند یک کار فرهنگی است، بهترین کار است؛ زیرا خداوند جامعه تمام خوبی‌ها و ضد همه بدی‌ها و کژی‌هاست در حدیثی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره ارزش کسی که مردم را هدایت می‌کند و به سوی خدا رهنمون می‌سازد می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَنَّ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ؛ ای علی اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده است برای

تو بهتر است» (میزان الحکمه، ج 2: 22). بنابراین، تبلیغ و دعوت به سوی خدا کار مهم ارزشی و فرهنگی است. دست اندرکاران فرهنگ باید توجه داشته باشند که کار خوب فرهنگی آن نیست که عملی باشد یا هنری باشد یا انسان‌های بزرگ آن را انجام دهند، بلکه باید جهت آن نیز الهی باشد و آن دعوت به سوی حق است. در واقع، آیه فوق نشان دهنده شاخص برای کار فرهنگی با ارزش است.

2-4- ارزش کار فرهنگی روی یک نفر (هدایت) برابر با احیای جامعه است: خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا؛ هر کس، کس دیگری را حیات بخشد، چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد» (مائده: 32). مراد از احیا و زنده کردن در آیه، نجات انسان از مرگ نیست، بلکه بنا بر تعبیراتی که در قرآن آمده به هدایت به سوی حق نیز، احیا اطلاق می‌شود. چنانکه در آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ...؛ آیا کسی که مرده بود و ما زنده اش کردیم...» (انعام: 122)؛ کسی که فرد گمراهی را به سوی ایمان راهنمایی کند، او را زنده کرده است (ترجمه میزان، ج 5: 519). همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش راوی که از تفسیر آیه فوق پرسیده بود فرمود: «مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَقَدْ أَحْيَاهَا» و مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالَةٍ فَقَدْ قَتَلَهَا (تفسیر العیاشی، ج 1: 313)؛ کسی که فردی را از گمراهی نجات دهد و او را هدایت کند، به تحقیق او را حیات بخشیده و کسی که فرد را از هدایت به گمراهی بکشاند، او را کشته است. بنابراین، مفهوم آیه این خواهد بود که هدایت یک فرد در کار فرهنگی، ارزش حیات بخشیدن و نجات همه انسان‌ها را خواهد داشت که نشان دهنده اهمیت بالای کار فرهنگی است و این آیه بهترین آیه در نشان دادن اهمیت و ارزش کار فرهنگی است.

3-4- ایجاد انحراف در مسائل فرهنگی، بالاترین ظلم‌هاست: خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا؛ چه کسی است ستمکارتر از آنکه به خدا دروغ می‌بندد» (انعام: 21). عبارت بالا که بیش از 10 بار در قرآن کریم تکرار شده و نشان از تأکید است، دروغ بستن به خداوند را «بزرگ‌ترین ظلم» شمرده است. مفسران با توجه به آنکه قرآن شرک را «ظلم بزرگ» معرفی نموده<sup>2</sup> و نیز با توجه به قرائن دیگر، مصداق دروغ بستن به خداوند را «قرار دادن شریک برای وی»، تلقی نموده (تفسیر نمونه، ج 5: 184) و از آیه مورد بحث چنان فهمیده‌اند که بالاترین ظلم آن است که کسی مشرک شده و اصل توحید را انکار کند. بر این اساس، روشن است که ایجاد هرگونه انحراف فرهنگی که موجب گسترش شرک و دوری از اصل توحید و یگانه پرستی شود، افتراء و دروغ بر خدا و ظل‌می‌بزرگ خواهد بود. نتیجه کار فرهنگی باید به یکتاپرستی و توحید بینجامد و انسان را به فلاح و رستگاری رهنمون سازد. بنابراین، کار فرهنگی اهمیت فراوان دارد و انحراف و سهل‌انگاری در آن می‌تواند به بزرگ‌ترین ظلم‌ها منجر شود.

3- لقمان در شمار اندرزهای خود به فرزند می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: 13).

4-4- انجام فعالیت‌های فرهنگی پیامبر صلی الله علیه و آله منت الهی بر مؤمنان: خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»؛ به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد...» (آل عمران: 164). خداوند در این آیه به مؤمنان منت می‌گذارد و پیامبری از جنس خدایی برایشان مبعوث کرد تا آنها را پاک سازد و حکمت و کتاب را به آنها بیاموزد. منت بعضی اعطای هر نعمت سنگین و گران بهاست و این منت کاری پسندیده و زبیده است اما آن منتی که ناپسند و زشت است عبارت است از اینکه کسی کار کوچک خود را با سخن، بزرگ کند و به رخ افراد بکشد (تفسیر نور، ج 2: 190). بنابراین، چون هدایت مردم و نشان دادن راه هدایت نعمت بسیار بزرگی بود، خداوند به وسیله آن بر مؤمنان منت گذارد و این نشان از اهمیت کار فرهنگی به قصد هدایت مردم است. از این رو، بازخوانی آیات خداوند بر گوش جانندگان، تربیت الهی آنان، ترویج تعالیم کتاب آسمانی و حکمت‌های حیات بخش از سوی هر کس صورت گیرد، می‌تواند تداوم رسالت پیامبرانه باشد و منت خداوندی بر جوامع به حساب آید (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، 1393: 31).

**5- انواع فرهنگ‌ها.** با عنایت تعاریف مختلف فرهنگ و پدیده‌های کمی و کیفی آن، نمی‌توان همه آن‌ها را در یک ردیف قرار داد. از آنجا که زندگی انسان از دو مشخصه مادی و معنوی تشکیل شده است، عوامل مؤثر در آن‌ها نیز از یک جهت به دو بخش کلی قابل تقسیم می‌باشد:

1-5- فرهنگ مادی. به مجموعه پدیده‌هایی اطلاق می‌گردد که محسوس، ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و کیفی و علمی هستند و در زندگی و شیوه آن مؤثر می‌باشند؛ مانند: فنون، ابزارهای کاربردی و تولیدی، فنون پزشکی، وسایل موتوری، ابداعات برقی و... این نوع فرهنگ‌ها به سرعت قابل تغییر بوده و جایگزین می‌شوند.

2-5- فرهنگ غیر مادی. مجموعه‌هایی که قابل احساس نبوده و با روان آدمی سرو کار دارند و به آسانی قابل اندازه‌گیری و ارزیابی نمی‌باشند؛ مانند: معتقدات، ضوابط خویشاوندی، هنر، ادبیات، رسوم و... که در معنویات و اخلاقیات و شیوه زندگی انسان‌ها تاثیر گذاشته و هویت فردی و جمعی جامعه را تشکیل می‌دهد و بر خلاف فرهنگ مادی، تغییر آن کند و بطئی می‌باشد. علامه جعفری ابعاد فرهنگ را به دو بعد برونی و درونی تقسیم می‌کند و اظهار می‌دارد که فرهنگ، حقیقتی است مانند زیبایی، دو قطبی (برون ذاتی و درون ذاتی). همچنان که دریافت حقیقت زیبایی مربوط به خصوصیت مغزی و روانی است و دیگر موجودات و جانداران از دریافت آن ناتوانند، همچنین دریافت فرهنگ دارای جنبه درون ذاتی است که ناشی از اصل صیانت ذات تکاملی است. بعد برون ذاتی فرهنگ نیز مانند نمودهای اخلاقیات و آثار هنری و کیفیت ساختمان‌ها، نشان دهنده انواعی از دریافت‌ها و آرمان‌های درونی است. وی دلیل بر وجود این دو بعد را همان دلیل وجود ابعاد زیبایی

می‌داند (جعفری، 1373: 74). پیتر دراگر نیز در تبیین فرهنگ‌های جهانی به چهار چهره فرهنگی اشاره می‌کند:

1- فرهنگ داوس<sup>۳</sup>؛

2- فرهنگ دانشگاهی<sup>۴</sup>؛

3- فرهنگ جهانی مک<sup>۵</sup>؛

4- فرهنگ پروتستانیسیم اوانگلیک<sup>۶</sup> (رفیع‌زاده، 1378: 323).

با نگاهی دوباره به انواع تقسیم‌های فرهنگ‌ها و موارد دیگر می‌توان اظهار داشت که همه آنها اشاره به نمودی از زندگی یا اشاره به شیوه خاصی از زندگی دارند. از این جهت تقسیم جامع و مانع فرهنگ را باید بر اساس نوع بایدها و نبایدهای حاکم بر زندگی افراد بیان نمود. و از آنجا که بایدها و نبایدهای افراد مستند به نظام ارزشی و جهان بینی آنهاست، فرهنگ را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد:

1- فرهنگ الهی: فرهنگی که مستند به ارزش‌های ماوراء الطبیعه بوده و از چشمه‌سار وحی سیراب می‌گردد.

2- فرهنگ غیرالهی: فرهنگی که برخاسته از تراوش‌های ذهن انسانی است و کلیه مستندات آن ناشی از

دستاوردهای علمی (تجربی) بشری می‌باشد و استناد و اعتقادی به ماوراء الطبیعه ندارند. از شاخصه‌های عصر حاضر، وجود هم‌زمان این دو فرهنگ در جوامعی است که از مسیر طولانی و پرفراز و نشیب تاریخ گذشته، تداوم حیات خود را حفظ کرده‌اند. این دو فرهنگ؛ یکی الهی است که از چشمه‌سار وحی سریان یافته و با تلاش و ایثار آزادمردان به دست بشر امروزی رسیده است و حاکی از دستورات و برنامه‌های خداوند حکیم، در روند زندگی سعادت‌آور دنیوی و اخروی است و گستره‌ای به پهنای زندگی بشری دارد، و دیگری دنیایی بوده و حاصل تجربیات صرف بشری است که از فرآیند تحولات عظیم در علم و دانش فنی اعصار بشری برخاسته است. ایجاد توازن و تلفیق مناسب بین این دو، به طوری که اصول و مبانی هویت جمعی از دست نرود، از مشکلات کشورهای در حال گذار به صنعتی شدن می‌باشد (کاظمی، 1376: 15).

**6- اصول و مؤلفه‌های فرهنگ از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی).** اهمیت

فرهنگ را از جنبه‌های مختلف می‌توان طرح نمود که در این میان دو جنبه برجستگی بیشتری دارد: یکی جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت یک جامعه دارد و دیگری نقشی که فرهنگ می‌تواند در پیشرفت و تعالی جوامع ایفا نماید. جنبه نخست، اهمیت و جایگاه فرهنگ را در موجودیت جامعه نمایش می‌دهد و جنبه دوم اهمیت و نقش فرهنگ صحیح در حرکت به سمت اعتلا یا انحطاط جوامع را ترسیم می‌کند. در بعد نخست، حوزه نفوذ فرهنگ به همه ابعاد زندگی بشر کشیده می‌شود و همه ویژگی‌های متمایزکننده انسان‌ها از یکدیگر

و نیز همه ویژگی‌های متفرقه جوامع در فرهنگ آنها نهفته است. حضرت امام خمینی رحمه الله این مفهوم را با تصریح بیشتر چنین بیان می‌فرماید: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد» (صحیفه نور، ج 15: 160). اساساً فرهنگ است که ویژگی‌های مشترک پدیده آورنده یک ملت را تشکیل می‌دهد و بدون وجود فرهنگ واحد، افراد تبعه یک کشور را نباید یک ملت نامید. لذا می‌توان گفت اساس ملت یک ملت فرهنگ است (صحیفه نور، ج 6: 40). این اهمیت والای فرهنگ در هویت و موجودیت جوامع از تعاریفی استنباط می‌شود که برای فرهنگ ارائه شده است تا جایی که همه ابعاد علوم، فنون، ادبیات، هنر، اخلاق، ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، رسوم، هنجارها، مناسک و حتی مصنوعات مادی ساخت بشر و... را در حیطه فرهنگ جای داده است. کل تمدن بشری از این مجموعه ساخته شده است. به فرموده امام رحمه الله: «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است» (صحیفه نور، ج 273: 1)؛ زیرا تمام خوشبختی‌ها و بدبختی‌های جوامع، به بهره‌مندی از پیشرفت علوم و فنون و عملکرد اعتقادات، اخلاق، ارزش‌ها و هنر آنها در زمینه‌های مختلف وابسته است. با عملکرد صحیح این ابعاد فرهنگ و نیز بهره‌مندی از نتایج پیشرفت علوم و فنون، جوامع می‌توانند به خوشبختی برسند. می‌توان گفت همه امور جوامع بستگی تام به فرهنگ آنها دارد. لذا «اگر مشکلات فرهنگی و آموزشی به صورتی که مصالح کشور اقتضا می‌کند حل شود، دیگر مسائل به آسانی حل می‌گردد» (صحیفه نور، ج 15: 192). به همین دلیل است که امام فرهنگ را رأس همه اصلاحات می‌داند و می‌فرماید: «رأس همه اصلاحات فرهنگ است» (صحیفه نور، ج 10: 55) و نیز می‌فرماید: «اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، این‌ها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند... وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند، از دست ما می‌روند و انگل بار می‌آیند» (صحیفه نور، ج 1: 273). همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «فرهنگ نه تنها انسان‌ها را به انحطاط می‌کشد بلکه می‌تواند موجب انحطاط و پوچی و در نهایت اضمحلال جوامع شود» (صحیفه نور، ج 15: 160).

رهبر معظم انقلاب نیز در مناسبت‌های مختلف با تأکید بر اهمیت و جایگاه فرهنگ، قانون‌گرایی، خودباوری ملی، وجدان‌کاری، انضباط اجتماعی، دین‌باوری، تقویت ارزش‌های الهی و دیانت در جامعه، الگوی مصرف و سبک زندگی ایرانی و اسلامی، تعاون اجتماعی، تشکیل خانواده و ازدواج را نمونه‌هایی از شاخص‌ها و جهت‌گیری‌های فرهنگی کشور ذکر نموده و استقلال کشور، ضرورت‌های دینی و اخلاقی جامعه، خلیات ایرانی و زبان فارسی و خودباوری ملی را بخشی از خط قرمزهای فرهنگی کشور ذکر نموده‌اند. ایشان فرهنگ را مثل هوایی می‌دانند که انسان وقتی این را استنشاق کرد و با جانی که گرفت می‌تواند قدم بردارد و رو به جلو حرکت کند. از نظر رهبر انقلاب فرهنگ زیربناست و بقیه کارها همه برخاسته از فرهنگ؛ یعنی آنچه انسان

استنشاق می‌کند. اگر چنانچه یک جایی، هوای مسمومی تزریق شود، نتیجه‌ای که در اندام‌ها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در این هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی انسان آن را استنشاق کرد، رفتارش متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده است (برگرفته از: بیانات رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت با ایشان: 1386/06/04). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «باید در جهتی حرکت کنیم که مردم، متدین بار بیایند، متدین عمل بکنند، به مبانی دینی معتقد بشوند، عملاً پای بند بشوند؛ جهت‌گیری ما در همه زمینه‌ها باید این باشد» (بیانات معظم له در دیدار اعضای هیئت دولت، 1388/06/16). رهبر انقلاب در تعبیر دیگر فرهنگ را همان خلیقات اجتماعی جامعه می‌خواند و می‌فرماید: «درست است که مقوله فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود، اما اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیقات فردی و خلیقات اجتماعی و ملی... بنده چند نمونه از خلیقات اجتماعی و ملی را که برای یک ملت تعیین‌کننده است، در اینجا عرض می‌کنم. مثلاً عزم و اراده، غرور ملی، احساس توانایی، احساس قدرت بر اقدام و عمل و سازندگی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت...» و نیز ایشان فرهنگ را عامل شکل‌دهنده به ذهن و رفتار عمومی جامعه می‌خوانند و می‌فرمایند: «حرکت جامعه، بر اساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه، بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن حاکم است» (در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی: 1379/9/19). اینک بعد از ارائه تعریفی مختصر از فرهنگ از نگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> و مقام معظم رهبری<sup>(مدظله‌العالی)</sup>، در این بخش می‌کوشیم با اتکا به روش تحلیل محتوا، مستند به گفته‌های امام<sup>(ره)</sup> و رهبر انقلاب، مقولات کلان و راهبردی از فرمایش‌های ایشان را به عنوان شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و اصول فرهنگ اصیل برگزینیم. در یک بررسی اجمالی از فرموده‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> و رهبر انقلاب، موضوعی که بیانگر اصول و مبانی الگوی فرهنگی اصیل اسلامی و ملی است و روش‌های نهادینه‌سازی آن بدون توجه به تقدم و تأخر و ماهیت آن‌ها به شرح ذیل می‌شود:

#### جدول 1- اصول و مبانی الگوی فرهنگی از منظر امامین انقلاب

13- تأمین آزادی؛	1- تربیت‌پذیری انسان به عنوان مهم‌ترین رکن و زمینه‌فعالیت فرهنگی؛
14- اهمیت و جایگاه خانواده و زن؛	2- ضرورت مهندسی و مدیریت فرهنگی به عنوان وظیفه حکومت اسلامی؛
15- برنامه ریزی برای مبارزه با تهاجم فرهنگی؛	3- صیانت فرهنگی در پناه اتکا به اسلام؛
16- ضرورت پایه‌گذاری سبک زندگی ایرانی و اسلامی؛	4- اهمیت فرهنگ و لزوم هدف‌گذاری در فعالیت‌های فرهنگی؛
17- تأکید بر محتوای فرهنگی اصیل؛	5- اهمیت و جایگاه دین اسلام و ضرورت ترویج و آموزش دین باوری؛
18- خودباوری عامل غلبه بر خودباختگی؛	6- پرهیز از افراط و تفریط در فعالیت‌های فرهنگی؛
19- خودشناسی، خودفهمی و بازگشت به	7- جنگ نرم مهم‌ترین راهبرد فرهنگی دشمن؛

خوبستن؛	
20- عزم، اراده و غیرت ملی؛	8- قانون‌گرایی، قانون‌مداری، و انضباط اجتماعی؛
21- استقلال ملی؛	9- ظلم‌ستیزی؛
22- تأکید بر خلاقیت و نوآوری و مهارت زندگی؛	10- مبارزه با اباحی‌گری؛
23- پایه‌گذاری هویت اسلامی ایرانی؛	11- تبادل فرهنگی و تعامل با جهان به دور از سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛
24- اصلاح الگوی مصرف.	12- توجه به تعمیق و آموزش وجدان‌کاری؛

### 7- الگوهای استخراج مولفه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی و معرفی الگوی منتخب.

7-1- شاخص‌های فرهنگی یونسکو: سازمان یونسکو که از جمله سازمان‌های تخصصی و زیر مجموعه سازمان ملل متحد است در سال 1980 شاخص‌هایی را برای ارزیابی فرهنگ‌ها تصویب نمود. این شاخص‌های فرهنگی که در ضمن قطعنامه استانداردسازی بین‌المللی آمارهای مربوط به مخارج عمومی در بلگراد به تصویب رسید شامل فهرستی از ده مقوله ذیل می‌باشد (دوپوی، گزایوه، 1374: 9).

جدول 2- شاخص‌های فرهنگی یونسکو

* میراث فرهنگی	* سینما و عکاسی
* مطبوعات و انتشارات	* برنامه‌های رادیویی
* موسیقی	* فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی
* هنرهای نمایشی	* ورزش و بازی‌ها
* هنرهای تجسمی	* طبیعت و محیط زیست

در ایران، آقای سعدالله مسعودیان در کتاب «سیری در مؤلفه‌های فرهنگی جهان» شاخص‌های فرهنگی یونسکو را طرح کرده و علاوه بر موارد یاد شده از امور ذیل نیز به عنوان شاخص‌های فرهنگی یاد می‌کند (گزارش جهانی فرهنگ، 1381، 2000).

جدول 3- تکمیلی شاخص‌های فرهنگی یونسکو

* تعداد سندلی‌های سینما (برای هر هزار نفر)	* تعداد گیرنده‌ها و فرستنده‌ها
* تعداد فیلم‌های سینمایی تولید شده در طول یک سال	* شمارگان روزنامه‌ها و مجلات
* تعداد کتب چاپ و ترجمه شده	* میزان مصرف کاغذ
* تعداد کتب کتابخانه‌ها	* میزان تولید، واردات و صادرات کالای فرهنگی

* آماری تورسیم	* میزان بخش برنامه‌های صدا و سیما
----------------	-----------------------------------

2-7- شاخص‌های فرهنگی در ایالات متحده:

جدول 4- شاخص‌های فرهنگی ایالات متحده

فصل ششم: مشارکت مدنی	فصل پنجم: فرهنگ مردم و مذهب	فصل چهارم: رفتار نوجوانان	فصل سوم: آموزش	فصل دوم: خانواده	فصل اول: جرایم
* اعتماد و بی‌اعتمادی.	* تلویزیون.	* نوجوانان و زاد و ولد نامشروع.	* دستاوردها: سومین مطالعه بین‌المللی ریاضیات و علوم	* میزان زاد و ولد نامشروع.	* جرایم عمده.
* امور خیریه.	* فیلم و سینما.	* سقط جنین بین نوجوانان.	* دستاوردها: ارزیابی ملی پیشرفت آموزشی.	* خانواده‌های تک‌والد.	* جرایم جنایی.
* مهاجرت.	* تفریح و اوقات فراغت.	* خودکشی بین نوجوانان.	* دستاوردها: آزمون سنجش آموزشی.	* ازدواج و زندگی مشترک.	* جرایم جنایی و نوجوانان.
* نیروهای نظامی.	* عضویت در کلیسا.	* نوجوانان و اعتیاد به الکل و مواد	* هزینه‌های آموزش.	* طلاق.	* حبس تعداد زندانیان.
*	* افسردگی.	*	* مدارس دولتی.	* رفاه کودکان.	* مجازات.

3-7- شاخص‌های مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی:

شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در 82/9/25 مجموعه‌ای از شاخص‌های فرهنگی را به تصویب رسانید که برای اجرا به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابلاغ گردید. این مجموعه شامل یک بخش مقدماتی و سه بخش اصلی است که بخش سوم سیزده فصل فرعی را تشکیل داده و در این سه فصل 167 شاخص معرفی شده است. ساختار عناوین بخش‌ها به این ترتیب می‌باشد.

مقدمه: ارزش‌های اساسی جمهوری اسلامی

1- شاخص‌های تحولات فکری، بینشی و رفتاری.

2- شاخص‌های مصرف کالاها و خدمات فرهنگی.

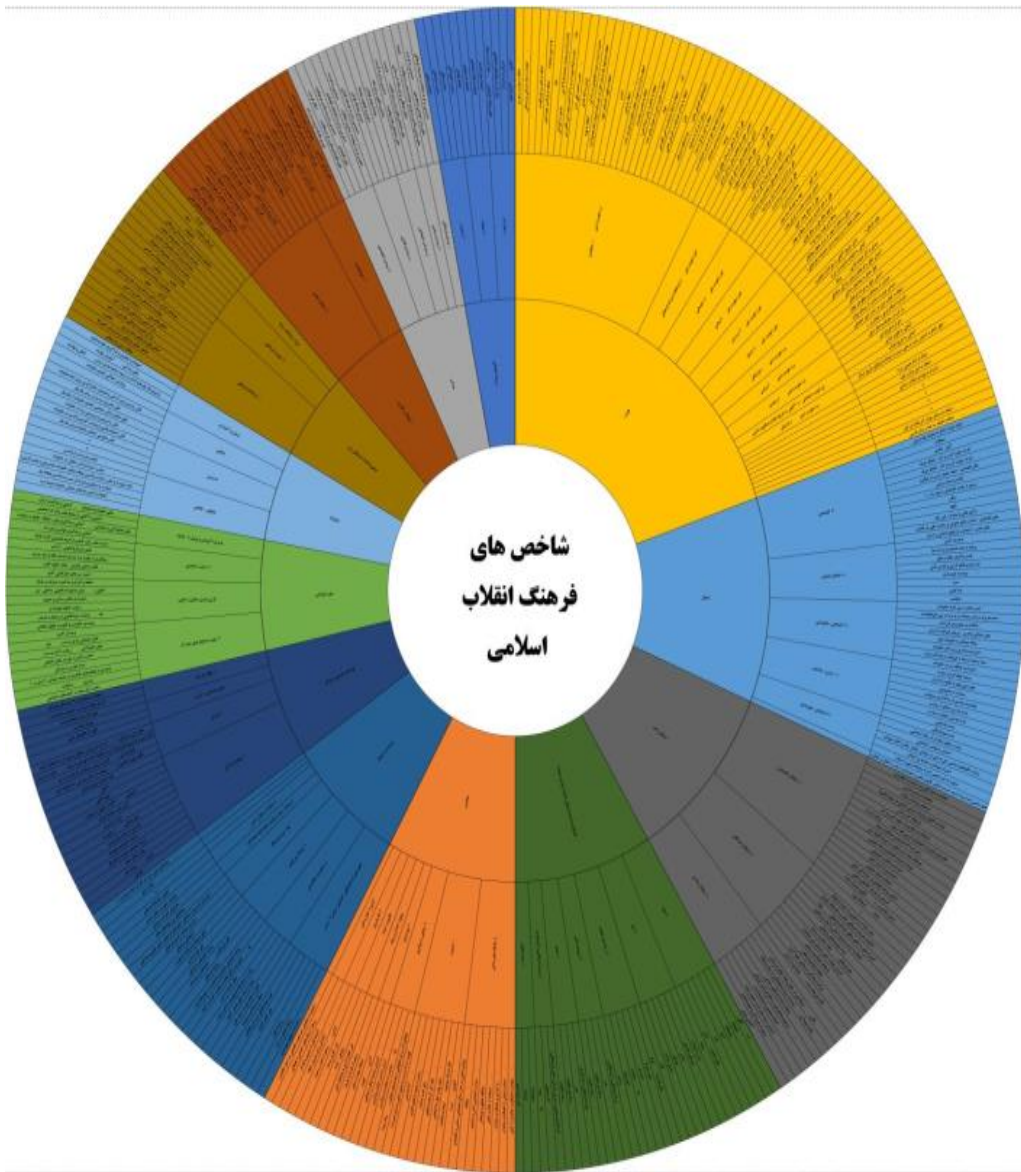
3- شاخص‌های توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات که شامل:

جدول 5- شاخص‌های توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات



الف: کتاب	ح: سایر رسانه‌های صوتی و تصویری
ب: مطبوعات	ط: امور مذهبی
ج: سینما	ی: میراث فرهنگی و امور سیاحتی
د: موسیقی، تئاتر و سایر فعالیت‌های هنری	ک: اقتصاد فرهنگ، پژوهش و مشارکت فرهنگی
هـ: ورزش	ل: مبادلات فرهنگی
و: رادیو و تلویزیون	م: وسایل ارتباطی
ز: خبرگزاری	*

شکل (1): مدل مفهومی تحقیق



## تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در پاسخ به سوال این پژوهش می‌توان مراحل تدوین شاخص‌ها و ارائه الگو را به صورت ذیل تجزیه و تحلیل و بیان نمود:

الف) مرحله اول: مطالعه، بررسی و تحلیل ثانوی اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران شامل:

1- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

2- بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)؛

3- سند چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران.

ب) مرحله دوم: گردآوری، مطالعه، بررسی، تحلیل ثانوی و طبقه‌بندی شاخص‌هایی که تاکنون مبتنی بر اسناد فوق تدوین شده‌اند. این بخش که بیشترین اهتمام بر آن شد، منجر به تهیه فهرست بلندی از همه شاخص‌هایی شد که تاکنون در کشور تدوین شده‌اند. برخی از مهمترین منابع در این زمینه عبارتند از:

1- شاخص‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی)؛

2- شاخص‌های فرهنگی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

3- شاخص‌های فرهنگ عمومی (پیشنهادی شورای فرهنگ عمومی)؛

4- شاخص‌های ساماندهی امور جوانان در نظام جمهوری اسلامی ایران (مصوب سازمان ملی جوانان).

ج) مرحله سوم: موردکاوی شاخص‌های فرهنگی کشورهای جهان. به منظور بهره‌مندی از تجارب دنیا در فرایند شاخص‌سازی، اعضای کمیته به بررسی شاخص‌های فرهنگی تعدادی از کشورهای جهان (حداقل 10 کشور) پرداختند. اضافه بر این شاخص‌های فرهنگی یونسکو نیز به عنوان مرجع بین‌المللی مورد مطالعه قرار گرفت. این بررسی، علاوه بر مطالعه جداگانه شاخص‌ها، به تنظیم جدول تطبیقی میان کشورها نیز پرداخت تا وجوه تفاوت و تشابه آنها و نیز مقایسه با شاخص‌های مصوب کشورمان استخراج شود.

د) مرحله چهارم: در گام چهارم و پس از انجام بررسی‌های مراحل سه گانه فوق، کار تدوین شاخص‌های استراتژیک یا راهبردی آغاز شد. در نهایت این مرحله از کار با تدوین شاخص‌های استراتژیک (راهبردی) به پایان رسید.

و) مرحله پنجم: در این مرحله هر یک از شاخص‌های راهبردی، با ابعاد و مؤلفه‌های جزئی‌تری تبیین شد. این ابعاد و مؤلفه‌ها مقدمه ضروری تدوین شاخص‌های هدف (سطح دوم شاخص‌ها) قلمداد می‌شوند.

ه) مرحله ششم: در آخرین مرحله، فهرست نهایی شاخص‌های استراتژیک و نیز شاخص‌های هدف (هادی) مرتبط با هر یک از آنها با استفاده از نظرات صاحب‌نظران اعتبارسنجی اولیه شد و پس از اصلاحات نهایی به شکل مدلی احصا گردید.

### نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که امروزه در اهمیت فرهنگ به عنوان والاترین و ارزشمندترین جوهره و جلوه جامعه انسانی تردیدی نیست. فرهنگ، عاملی که نیل به آرمان‌ها و سعادت پایدار را برای جامعه میسر میسازد و در بیانی دقیق‌تر، تعالی مستمر فرهنگ، خود والاترین هدف و آرمان یک جامعه پیشرو است. گرچه مدیریت فرهنگ و هدایت آن به سمت مطلوب به مانند دستکاری در پدیده‌های فیزیکی به سهولت و کمال دل‌خواه میسر نیست و پیچیدگی فرهنگ و به‌ویژه نقش انسان مختار، گاه بر بسیاری از پیشینی‌ها و برنامه‌ها خط بطلان می‌کشد، اما رها کردن آن به معنای واگذاری میدان به اغیار و یا آثارشیم فرهنگ است که ناکامی در سایر اهداف و برنامه‌ها را نیز در پی دارد. به همین دلیل، غفلت از عامل فرهنگ در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه و بروز پیامدهای ناخوشایند آن، باعث شد تمایل به درج فرهنگ در خط مشی‌ها و برنامه‌های مربوط به توسعه گسترش یابد. به طور کلی، شناخت دقیق از وضعیت فرهنگی جامعه مستلزم نظامی جامع از شاخص‌های فرهنگی است که در طراحی آن باید تعریف و تفسیر ما از فرهنگ و مقدم بر آن نحوه نگرش ما به انسان، جامعه و جهان مدنظر قرار گیرد. نکته دیگر، کاربرد روش مناسب در الگوسازی است. مبتنی بر این روش، مسائل و موضوعات فرهنگی مستعد تقسیم به ابعاد، اجزا و سطوح است. به طوری که ویژگی‌های هر سطح با دیگری متفاوت بوده و نیازمند شناخت علی‌حده است. از آنجا که فرهنگ به‌عنوان وصفی از اوصاف جامعه، به باورها، نگرش‌ها و رفتارهای انسانی محدود نشده، بلکه تا روابط، ساختارها و مصنوعات مادی امتداد می‌یابد، در شناخت کامل فرهنگ باید علاوه بر امور - که قسمت اصلی فرهنگ محسوب می‌شوند - فعالیت‌ها و نیز مقدرات فرهنگی را مورد سنجش قرار داد. در این مقاله الگویی برای طبقه‌بندی این امور در سه سطح شاخص‌های استراتژیک، شاخص‌های هدف و شاخص‌های عملیاتی پیشنهاد شد که هر سطح یا قسمت علاوه بر تفاوت، دارای مؤلفه‌های هماهنگ و شاخص‌های مناسب خود است. البته برای دقت بیشتر، این الگو در هر سطح انقسام به اجزای خردتر انجام و ارتباط آنها مشخص گردیده است. برای مثال، شاخص

الگوی برای دستیابی به شاخص‌های فرهنگ در پیکره انقلاب اسلامی □ 9  
استراتژیک اخلاق به چهار شاخص هدف (بعد) یعنی 1- سیاسی، 2- اجتماعی، 3- اقتصادی و 4-  
عمومی تقسیم‌بندی شده که هر کدام به شاخص‌های عملیاتی مرتبط دسته‌بندی می‌شود.

## کتابنامه

### الف: منابع فارسی و عربی

- 1- قرآن کریم.
- 2- بنیان‌یان، حسن (1386)، **فرهنگ و توسعه**: خط و مشی گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- 3- دوپوی، گزایه (1374). **فرهنگ و توسعه**. (ترجمه‌ی فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین قلم). مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- 4- حدیث ولایت (نرم‌افزار-ویرایش دوم)، «مجموعه بیانات و پیام‌ها و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ و نشر آثار حضرت امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی).
- 5- قنبرلو، عبدالله (1391)، **فرهنگ راهبردی و دفاع ملی، مطالعه موردی جنگ تحمیلی**، تهران: مطالعات راهبردی، شماره 3.
- 6- بیگدلو، مهدی (1392)، **دفاع ملی فرهنگ بنیاد و مقابله با جنگ نرم**، تهران: مطالعات قدرت نرم، شماره 8.
- 7- جعفری، محمدتقی (1373)، **فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- 8- روح‌الامینی، محمود (1377). **زمینه فرهنگ شناسی**، تهران: عطار.
- 9- امام خمینی (ره)، **صحیفه‌ی نور**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، جلد 15.
- 10- مهدی‌نسب، محسن (1392)، **بررسی تاثیر مؤلفه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی در تدوین بخش دفاعی و امنیتی برنامه پنج‌ساله چهارم و پنجم توسعه**، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- 11- میرمحمدی، داوود (1393)، «**تحلیلی بر مؤلفه‌های فرهنگی در منظومه فکری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)**»، قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- 12- سلیمی، محمد (1385)، **الگوی برای دستیابی به مؤلفه‌های فرهنگی**، مجموعه‌ی مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی.
- 13- بهشتی‌نژاد، مهدی (1393)، **تدوین مؤلفه‌های اصلی فرهنگ انقلاب اسلامی و بازنمایی آن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- 14- مهرآیین، مصطفی (1379)، **مطالعه و ارزیابی تبیین‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران**، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- 15- عباسی، علی‌رضا (1382)، **آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران**، قم: مجتمع آموزشی

- 16- لسللی ا. وایت(1379)، *تکامل فرهنگ*، مترجم مجیدی، ناشر دشتستان.
- 17- کوئن، بروس(1372)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، مترجم محسن ثلاثی، تهران: انتشارات سمت.
- 18- روح‌الامینی، محمود(1373)، *زمینه فرهنگ‌شناسی*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- 19- سلیمی، حسین(1379)، *«فرهنگ‌گرایی»*، تهران: وزارت امور خارجه.
- 20- ترابی(1341)، *«مبانی جامعه‌شناسی»*، تهران: نشر اقبال.
- 21- بیلینگتون، روزاموند(بی‌تا)، *فرهنگ و جامعه*، ترجمه فریبا عزیدفتری، تهران: نشر قطره.
- 22- امام خمینی(ره)، *صحیفه‌ی نور*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، جلد 15.
- 23- مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای(مدظله‌العالی)، روزنامه‌ی کیهان، 1379/9/2.
- 24- مالک بن نبی، *مشکل فرهنگ*، ترجمه‌ی جواد صالحی، تهران: نشر قلم.
- 25- منصوری، جواد(1374)، *فرهنگ استقلال*، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- 26- محمدی ری شهری، محمد(1385)، *میزان الحکمه*، قم: دارالحدیث.
- 27- موسوی همدانی، سید محمدباقر(1374)، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- 28- عیاشی، محمد بن مسعود(1380 ه.ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعه العلمیه، چاپ اول.
- 29- مکارم شیرازی، ناصر(1374)، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران: چاپ اول.
- 30- قرائتی، محسن(1383)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
- 31- مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما(1393)، *اهمیت فرهنگ از منظر آیات و روایات*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- 32- رفیع زاده، شهرام(1378)، *آنا‌تومی فرهنگی*، تهران: نشر انتشار.
- 33- کاظمی، سیدعلی اصغر(1376)، *بحران نوگرایی*، تهران: نشر قومس.
- 34- وبگاه [www.peyvastfarhangi.ir](http://www.peyvastfarhangi.ir)